سجاد صفری/ ایران

چند روایت از لحظه های تلخ وشیرین پرستاران در آستانه روز پرستار

همدم مرگ، پرستار زندگی

یوسف حیدری
گزارش نویس

بعد ازشیوع کرونا زندگی خیلی از پرستاران دستخوش تغییر شد. آنها در این ۱۰ ماه درگیری با کرونا چه مرگ‌ها که ندیدند و چه شیون‌ها که نشنیدند و چه جان‌هایی را که از کام مرگ بیرون نکشیدند. چندی پیش سازمان نظام پزشکی کشور تعداد شهدای مدافع سلامت را ۱۹۲ نفر اعلام کرد که ۵۷ نفرشان پرستارند.

نسترن طالبی یکی از پرستاران بخش اورژانس بیمارستان مسیح دانشوری نخستین پرستاری بود که در این بیمارستان به کرونا مبتلا شد و خوشبختانه نجات یافت. او می‌گوید: «روزی که لباس سفید پرستاری به تن کردم فکر نمی‌کردم چند سال بعد سروکله چنین بیماری عجیبی پیدا شود و همه دنیا را درگیر کند. من اولین پرستاری بودم که به کرونا مبتلا شدم. اواخر بهمن سال گذشته، علایم نفس تنگی و تب و خستگی داشتم. تصور می‌کردم آنفلوانزا گرفته‌ام اما وقتی کیت‌های آزمایش کرونا به بیمارستان رسید مشخص شد کرونا گرفته‌ام. همسرم هم مبتلا شد و هر دو در خانه قرنطینه شدیم. از شدت نفس تنگی و بی‌حالی و ضعف، زمینگیر شده بودیم. بیمارستان مسیح دانشوری بلافاصله سانتر بیماران مبتلا به کرونا شد و همه برای مقابله با این بیماری آماده شدیم.

روزهایی که قرنطینه بودم دلم پیش همکارانم بود، همه امید داشتیم بحران تا اردیبهشت تمام شود. روز اول عید وقتی تستم منفی شد بلافاصله به بیمارستان برگشتم. افزایش بیماران مبتلا به کرونا و افراد بدحال ما را از نفس انداخته بود. در آی سی یو وقتی کد ۹۹ برای یک بیمار بدحال اعلام می‌شود باید بیمار را احیا یا اصطلاحاً سی پی آر کنیم. حالا تصور کنید همزمان چند بیمار کد می‌خوردند. در این گیرودار هرهفته تعدادی از پرستاران هم مبتلا می‌شدند و بقیه باید جای آنها را پر می‌کردند. ۹۰ درصد پرسنل کادر درمان و پرستاران بیمارستان مسیح دانشوری به کرونا مبتلا شدند که بلافاصله بعد از بهبودی برمی‌گشتند.»

نسترن لحظه‌های تلخی را که دراین ۱۰ماه تجربه کرده این طور روایت می‌کند: «این مدت لحظه‌های تلخ زیادی را دیدم و اشک ریختم. یک بار مرد ۳۸ ساله‌ای که کارمند بانک بود با نفس تنگی شدید در بخش ما بستری شد. مسئولیت این بیمار که با دستگاه پرفشار اکسیژن نفس می‌کشید با من بود. چند روز بعد وضعیت بهتری پیدا کرد و غذا خورد و با من حرف زد. فردا وقتی برای تحویل گرفتن شیفت آمدم دیدم تختش خالی است؛ گفتند شب کد خورد و فوت کرد.»

با این همه اوایل رفتار مردم در اماکن عمومی با پرستاران دل آنها را به درد می‌آورد: «ماه‌های اول شیوع رفتار برخی از مردم خیلی ناراحت کننده بود؛ مثلاً وقتی پرسنل داروخانه متوجه می‌شدند من پرستار بیمارستان مسیح دانشوری هستم ماسک را روی صورتشان محکم می‌کردند و می‌گفتند عقب‌تر بایستم یا در یک فروشگاه وقتی فروشنده متوجه شد پرستار هستم گفت به لباس‌ها دست نزن. تاکسی‌های اینترنتی همین حالا هم حاضر نمی‌شوند نزدیک بیمارستان بیایند؛ گرچه الان شرایط بهتر شده اما بازهم شاهد این نامهربانی‌ها هستیم.»

متین محمدی هم از ۴ سال قبل پرستار بخش آی سی یو حاد تنفسی بیمارستان مسیح دانشوری است. هنوز هم وقتی می‌خواهد از اولین پیک کرونا بگوید صدایش می‌لرزد. تنها آرزوی او خالی شدن تخت‌های بخش آی سی یو است: «اولین بیمار مبتلا به کرونا در شیفت من بستری شد. هیچ وقت آن شب را فراموش نمی‌کنم. هر روز پیگیر اخبار شیوع ویروس در کشور چین بودیم و دعا می‌کردیم وارد ایران نشود. اولین بیمار مبتلا به کرونا ساعت ۶ عصر اول اسفند توسط اورژانس به بیمارستان ما منتقل شد. با دیدن بیمار که وضعیت حادی داشت، تنم لرزید. مرد ۴۵ ساله‌ای بود که همان شب فوت کرد. سه بیمار دیگر هم به بخش ما منتقل شدند و بلافاصله آنها را به دستگاه وصل کردیم و دستورات دارویی را گرفتیم، متأسفانه وضعیت بیماران به قدری وخیم بود که همان شب هر چهار نفر فوت کردند و این ترس ما را بیشتر کرد. من پرستاری را با عشق انتخاب کرده بودم و نمی‌توانستم به خاطر حفظ جان خودم فرار کنم. ما قسم خورده‌ایم برای نجات جان بیماران تلاش کنیم و باید می‌ماندیم. اسفندماه وضعیت خیلی بدی داشتیم و هر روز به تعداد بیماران بدحال اضافه می‌شد. شناختی هم از درمان این بیماری نبود ولی با تلاش دکتر هاشمیان و دکتر طبرسی بهترین تجهیزات بیمارستانی در اختیار ما قرار گرفت و کم کم متوجه شدیم با چطور پدیده‌ای رو به رو هستیم.»

متین یک ماه خانه نرفت و هفته‌ای یکی دوبار همسر و پسر یک ساله‌اش را در بالکن خانه دید و تلفنی حرف زد. چه لحظه عجیبی! می‌گوید در این مدت لحظه‌هایی را تجربه کرده است که هیچ وقت فراموش نمی‌کند: «در پیک بیماری تعداد بیماران بدحال بیشتر می‌شود و آمار فوتی‌ها بالا می‌رود. خیلی از همراهان بیمار تصور می‌کنند آن قدر مرگ و میر دیده‌ایم که سنگدل شده‌ایم اما این طور نیست. بیمار بدحالی داشتیم که با پلاسما درمانی وضعیت بهتری پیدا کرده بود و حتی بدون دستگاه می‌توانست نفس بکشد. آن قدر خوشحال بودیم که با خانواده‌اش تماس تصویری گرفتم تا خبر سلامتی‌اش را بدهد. یک ساعت بعد وقتی لیوان آب را سرکشید دستش را به علامت تشکر بالا آورد و همان لحظه ایست قلبی شد و تمام کرد. همه شوکه شده بودیم و گریه می‌کردیم، متأسفانه ویروس کرونا جهش ژنتیک دارد و می‌تواند باعث ایست قلبی در برخی از بیماران شود، البته لحظه‌های خوب هم داشته‌ام. خوشبختانه با داروهایی که دکتر هاشیان تجویز می‌کرد تعدادی از بیماران وضعیت بهتری پیدا می‌کردند. جوان ۲۳ ساله‌ای را که شرایط خیلی بدی داشت با لوله‌گذاری به دستگاه ونتیلاتور وصل کردیم. روز اول لبهایش تکان می‌خورد. به شوخی گفتم بلندتر بخوان ما هم لذت ببریم. گفت زیارت عاشورا می‌خوانم. هر روز وضعیت او بدتر می‌شد تا جایی که ۱۰ درصد امید به زنده ماندن داشتیم. حس شنوایی آخرین حسی است که از بین می‌رود و انسان تا لحظه آخر عمر می‌تواند بشنود برای همین زیر گوشش شروع کردم به خواندن زیارت عاشورا. سه روز بعد وقتی شیفت را تحویل گرفتم همکارانم گفتند بیمار وضعیت خیلی خوبی پیدا کرده و از دستگاه جدا شده. از خوشحالی گریه کردم، دو هفته بعد از بیمارستان مرخص شد و لحظه خداحافظی گفت وقتی بیهوش بودم متوجه شدم شما برای من زیارت عاشورا می‌خوانید.»

> یک بار مرد ۳۸ ساله‌ای که کارمند بانک بود با نفس تنگی شدید در بخش ما بستری شد. مسئولیت این بیمار که با دستگاه پرفشار اکسیژن نفس می‌کشید با من بود. چند روز بعد وضعیت بهتری پیدا کرد و غذا خورد و با من حرف زد. فردا وقتی برای تحویل گرفتن شیفت آمدم دیدم تختش خالی است؛ گفتند شب کد خورد و فوت کرد

متین هم مثل خیلی از پرستاران و پزشکان از رفتار برخی از مردم در برخورد با آنها و همین طور رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی گلایه دارد: «همه خستگی‌ها و فشارها را به جان و دل می‌پذیریم اما برخی از رفتارها بشدت روح ما را آزار می‌دهد. اینکه راننده تاکسی وقتی متوجه می‌شود پرستار بخش آی سی یو هستی وسط اتوبان صیاد پیاده‌ات می‌کند یا در بانک و سوپرمارکت نگاه خوبی به تو ندارند روح و روان انسان را به هم می‌ریزد. از همراهان بیمار فحش و ناسزا می‌شنویم اما به خاطر شرایط روحی‌شان سکوت می‌کنیم. آنها می‌بینند با لباس‌های ایزوله و ماسکی که به‌صورت داریم به سختی نفس می‌کشیم اما تصور می‌کنند ما مقصر مرگ عزیزشان هستیم و ناسزا می‌گویند؛ نمی‌دانند یک روزی که تخت‌های آی سی یو خالی باشند بهترین روز زندگی ما است. در این ۱۰ ماه از هفت تخت آی سی یو فقط دو روز تخت خالی داشتیم و خوشحال بودیم. همیشه تخت‌ها پر است و هنوز هم بیماران بد حال مرتب بستری می‌شوند و تخت خالی نداریم. وقتی می‌بینم مردم رعایت نمی‌کنند و ماسک نمی‌زنند همه وجودم درد می‌گیرد. تذکر هم می‌دهی می‌گویند کرونا چی هست؟ من خودم دوبار مبتلا شدم. بار اول همسرم هم مبتلا شد و با پسر یک ساله‌ام شرایط بسیار سختی را پشت سر گذاشتیم. بار دو هم اوایل همین ماه بود. با وجود تنگی نفس و تب و لرز ترجیح دادم در خانه قرنطینه شوم. اگر بستری می‌شدم ممکن بود بیمارانی که شرایط بدتری دارند به خاطر نبود تخت خالی پذیرش نشوند. حالا هم تنها آرزوی من این است که تخت‌های آی سی یو خالی باشد تا دست زن و بچه‌ام را بگیرم و بدون ماسک راحت در خیابان قدم بزنم.»

زهرا بارانی پرستار بخش آی سی یو اورژانس بیمارستان رازی اهواز می‌گوید: وقتی با کرونا مواجه شدم احساس کردم روز اول جنگ است. او می‌گوید: «امشب تولد ۲۷ سالگی‌ام را در بیمارستان جشن می‌گیرم. از یک ماه قبل به ماسک آلرژی پیدا کرده ام و سرفه امانم را بریده. با شیوع کرونا بیمارستان رازی اهواز سانتر کرونا شد و من هم به بخش ایزوله تنفسی منتقل شدم. روزهای اول شیوع شرایط خیلی بدی داشتیم و استرس و ناشناخته بودن این بیماری و مرگ و میر بیماران ما را در تونل تاریکی قرار داده بود که نمی‌دانستیم چه کار کنیم. هر روز مرگ بیماران زیادی را به چشم می‌دیدم. زن، مرد، تازه عروس و تازه داماد؛ حتی یکی از پزشکان بیمارستان. هر روز تعدادی از پرستل بیمارستان مبتلا می‌شدند و با کمبود نیرو مواجه بودیم. پدر و مادرم که شهرستان زندگی می‌کنند با نگرانی تماس می‌گرفتند و می‌خواستند کارم را رها کنم و برگردم.»

زهرا هم از رفتار برخی از مردم گلایه دارد و می‌گوید: «بعضی روزها به خاطر بیماران بدحال مجبور می‌شدم زمان بیشتری در بیمارستان بمانم و از سرویس جا می‌ماندم ولی تاکسی‌های اینترنتی حاضر نمی‌شدند سوارم کنند؛ البته الان شرایط خیلی بهتر شده؛ هفته گذشته یکی از همین راننده‌ها وقتی همکار ما را به بیمارستان رسانده بود حاضر نشده بود کرایه بگیرد.»

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۵۵۴

آسان

۱	۶		۲				۵	
۴		۳		۷	۵			۲
		۲	۱	۴				
۷		۴	۳		۹			۶
				۸				
۵			۴		۲	۳		۸
				۲	۷	۹		
۳			۹	۱		۸		۴
	۲				۴		۶	۱

متوسط

		۱	۶	۳				
		۹	۷		۴		۶	۲
۴	۳				۹			۱
		۵				۹		
۱								۸
		۸				۷		
۶			۵				۸	۴
۹	۵		۴		۱	۶		
				۶	۷	۵		

سخت

			۲			۵		۴
۱	۹	۴	۸			۳		
							۱	
			۷	۸			۹	
		۶		۲		۴		
	۸			۶	۵			
	۶							
		۱			۹	۸	۷	۲
۷		۳			۸			

خیلی سخت

			۲				۱	
۵					۶			
	۴	۸	۵			۲		
			۱	۸			۹	
		۷				۴		
	۵			۹	۲			
		۳			۱	۸	۲	
			۳					۷
	۶				۹			

حل جدول سودوکو شماره ۳۵۵۴

آسان

۸	۶	۳	۷	۲	۵	۱	۹	۴
۹	۴	۷	۱	۸	۳	۶	۲	۵
۵	۲	۱	۶	۴	۹	۸	۷	۳
۴	۷	۶	۳	۹	۱	۲	۵	۸
۳	۸	۹	۲	۵	۷	۴	۶	۱
۱	۵	۲	۸	۶	۴	۷	۳	۹
۶	۹	۴	۵	۷	۲	۳	۱	۸
۷	۳	۸	۹	۱	۶	۵	۴	۲
۲	۱	۵	۴	۳	۸	۹	۷	۶

متوسط

۷	۱	۴	۳	۶	۵	۸	۲	۹
۹	۵	۲	۴	۸	۷	۱	۳	۶
۸	۳	۶	۱	۲	۹	۷	۵	۴
۳	۶	۷	۵	۹	۸	۴	۱	۲
۱	۴	۵	۶	۷	۲	۳	۸	۹
۲	۸	۹	۳	۴	۱	۶	۷	۵
۶	۷	۳	۸	۱	۴	۹	۲	۵
۵	۹	۱	۷	۲	۶	۸	۴	۳
۴	۲	۸	۹	۵	۳	۷	۶	۱

سخت

۳	۸	۶	۴	۷	۹	۱	۲	۵
۷	۱	۴	۲	۵	۸	۶	۹	۳
۹	۲	۵	۱	۶	۳	۴	۸	۷
۱	۶	۸	۵	۲	۴	۷	۳	۹
۴	۷	۲	۶	۹	۱	۸	۵	۳
۵	۳	۹	۸	۳	۷	۲	۴	۶
۸	۹	۳	۷	۱	۵	۴	۶	۲
۲	۴	۷	۳	۸	۶	۵	۱	۹
۶	۵	۱	۹	۴	۲	۳	۷	۸

خیلی سخت

۳	۸	۶	۴	۷	۹	۱	۲	۵
۷	۱	۴	۲	۵	۸	۶	۹	۳
۹	۲	۵	۱	۶	۳	۴	۸	۷
۱	۶	۸	۵	۲	۴	۷	۳	۹
۴	۷	۲	۶	۹	۱	۸	۵	۳
۵	۳	۹	۸	۳	۷	۲	۴	۶
۸	۹	۳	۷	۱	۵	۴	۶	۲
۲	۴	۷	۳	۸	۶	۵	۱	۹
۶	۵	۱	۹	۴	۲	۳	۷	۸

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۵۲۰

جدول عـادی

افقی:

۱- اسکله- بین عدسی و شبکیه چشم
۲- پول نقد- سد مخزنی شهر «خمین»- خورشیدگرفتگی
۳- خجالتی- شامی- قله «البرزمرکزی»
۴- خوش خلق- یکی ازویتامین‌ها- سخنان راهپیمایی
۵- آزاد- آرام خودمانی- نگاه کردن- مشک آب
۶- سلول‌های نرگیاه- باردرخت- تابه نان پزی
۷- با «های» آید- رقابت استعدادیابی شغلی که ازشبکه سوم درحال پخش است- خوردنی اطفال!
۸- ترعه- سوی دیگر- سیصد کیلو
۹- خط مخصوص روشندلان- شهری دراستان «فارس» که باغ‌های گردوی آن عمری طولانی دارند- کلمه تنبیه
۱۰- صدا- ادامه وتتمه- خونریز
۱۱- ویتامینی درعدس- مرآت- پرسش ازجا و مکان کسی- به اندازه
۱۲- ظرفی برای پذیرایی- حرف جمع- نفت سیاه
۱۳- آنچه اززمین بروید- پدر- وسیله نظافت
۱۴- پرنده‌ای زیبا و حلال گوشت- بازدهی و اثربخشی- امربه آمدن
۱۵- مؤثر- سریالی ماندگار باهنرنمایی زنده یاد استاد «محمدعلی کشاورز»

عمودی:

۱- مشتزن- غذای محلی «اصفهان»
۲- کلی، مختصر- کاشف «گردش خون»- منزل بزرگ
۳- سالک- خط کش سه گوش- پوشاننده
۴- تیم فوتبالی درلالیگا- دراین مکان
۵- بوی ماندگی- رنگ خزان- عضوصورت
۶- تلفظی از «تشک» درتداول عامه- پندار- چاه کن- شماره رمز
۷- پدرمردگان- روزانه- حرف تعجب
۸- آلبینیسم- آموزشگاه- چنگ
۹- تذکره- کلیات شعر- همراه غذانوش جان کنید
۱۰- آفرین- زاری- آسانی- بعد ازموعد
۱۱- قول وقرار- پسوندرنگی- تصدیق فرنگی
۱۲- پرده سینما- نارون کوهی
۱۳- شیردل، نترس- سازمان جهنمی قبل ازانقلاب- شهری در «سیستان وبلوچستان»
۱۴- شهرشمالی- لقب پادشاه چین- حصیر
۱۵- ترشی خیلی خوشمزه- برقرار وپایدار

جدول ویـــژه

افقی:

۱- بازیگر فیلم «سفر دکتر دولیتل» (۲۰۲۰)- تیم «علی بیرانوند»
۲- گاه- اعضای یکدیگرند- اعضای درون شکم
۳- شیرینی بین المللی- زمان- سپاسگزار
۴- ساز آرشه‌ای- رودپرآب «فرانسه»- یکی ازدورود بزرگ بین النهرین
۵- ساز شاکی- مشرق- کشوری در «آفریقا»- استوار ساختن
۶- عکسبرداری رایانه‌ای- فاقد بیماری- دیوارمحکم
۷- غزوه پیروز- یک نوع بازی- پس وپشت
۸- چک مسافرتی- دستگاهی درموسیقی- انبوهی
۹- نام کوچک «ژورکائف» مهاجم سابق تیم ملی فرانسه- پرده سینما- ماه خارج!
۱۰- نژادی زردپوست- آش محلی «یزد»- جمع وحش
۱۱- گوشت آذری- ستون دروازه- ساختگی و دروغین- زاییدن
۱۲- محوطه روباز کشتی- صدای لاستیک پنچر- مرکز تجاری شهرستان «رودبار»
۱۳- گوهرگرانبهاوبی نظیر- پارچه نخی شبیه به اطلس- آرام
۱۴- اندک وکم- مشارکت- سخت گیری
۱۵- گوسفند استرالیایی- بازارقدیمی «شیراز»

عمودی:

۱- استانی در «برونئی»- فلزساخت هواپیما
۲- بزرگواری- دایره‌ای دربانک- ماه گرم
۳- ترن زیرزمینی- کارمند- درنوروز بزرگ ترها به بچه‌ها می‌دهند
۴- تپه‌ای تاریخی در «یاسوج»- ازتوابع «بوشهر»
۵- ماه سریانی- پسوند آلودگی- مخدرتوهم‌زا
۶- وسیله‌ای برای ترمز درخودرو- ازمیادین «تهران»- موادزائدخون- معاون هیتلر
۷- شهری حومه «کاشان»- نوعی از شکنجه- ناخن چهارپا
۸- طلبکار- ریاست وپیشوایی- نمابر
۹- لبه شمشیر- دربه در- مقاله پژوهشی
۱۰- خادم قوم- مجموعه تصاویر متحرک- جنس، گروه- دیوارکوتاه
۱۱- بازی خطرناک جدید- بردباری- دهان کجی
۱۲- قوم وحشی- مترجم «مرزبان نامه»
۱۳- ترس وبیم بسیار- ترشح وچکه- شوروهیجان
۱۴- حسد- انبازی- چیزاضافی وبی مصرف
۱۵- الگوواره- نگینی که برتارک استان «چهارمحال و بختیاری» می‌درخشد

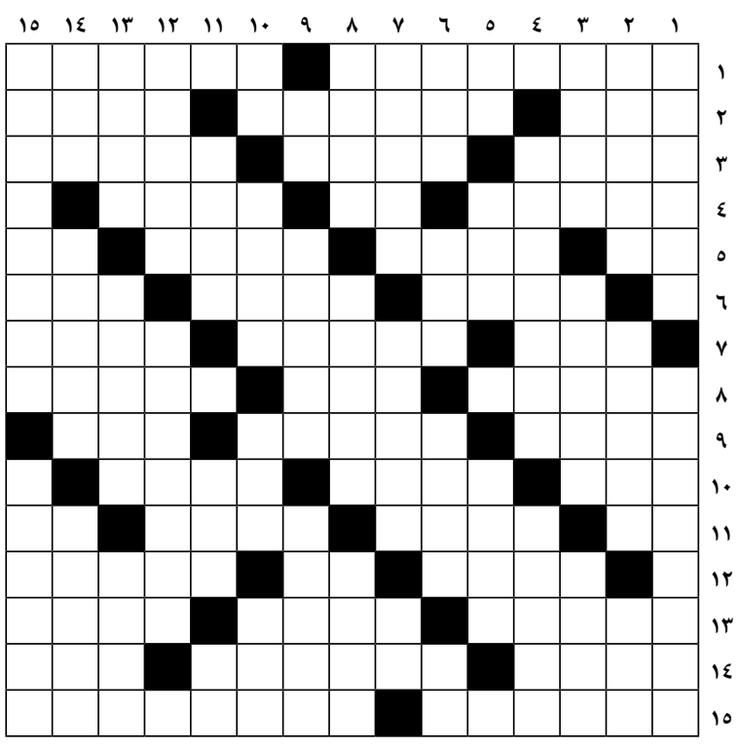

حل جدول عادی شماره ۷۵۱۹

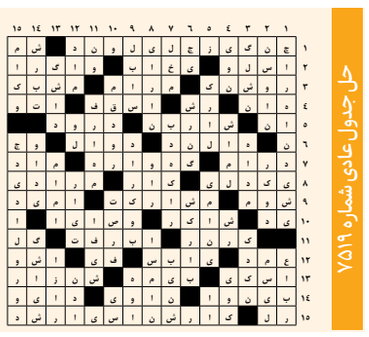
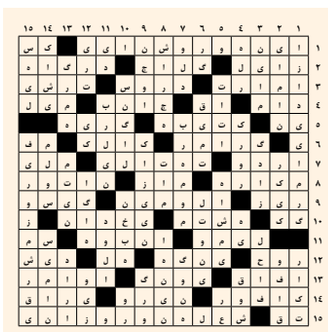
حل جدول ویژه شماره ۷۵۱۹